

جهانی سازی بخش انرژی از مسیر گات و سازمان تجارت جهانی

چکیده

تا دهه‌ی هشتاد اکثر کشورهای در حال توسعه‌ی صادرکننده‌ی نفت جزو گروه‌های مذاکره‌کننده‌ی گات نبودند (البته به استثنای گابون، اندونزی، کویت و نیجریه که همه‌ی آن‌ها بر اساس ماده‌ی 21 به عنوان گروه‌های مذاکره‌کننده بالفعل به عضویت درآمده بودند). سایر کشورهای تولید کننده نفت به دنبال پیوستن به گات نبودند و مسائل مرتبط با نفت و انرژی مورد بحث قرار نگرفتند. گفته می‌شود که یک توافق اخلاقی بین کشورهای مهم و فعال در تجارت وجود داشت که در مورد مسائل نفت در گات به دلیل ترس از ماهیت راهبردی تجارت نفت بحث نکنند. چرا که اهمیت نگرانی‌های امنیتی در مشتقات نفت مذاکرات را سیاسی خواهد کرد. تلقی خود کشورهای صادرکننده نفت این بود که آن‌ها منافع اندکی از الحاق به گات به دست می‌آورند چرا که کالایی را صادر می‌کنند که دستیابی به بازار آن کالا نگرانی خاصی را برایشان ایجاد نمی‌کند و از طرف دیگر واردکننده سایر کالاها نیز هستند. از این رو فکر می‌کردند ملزم شدن به قوانین گات با توجه به سیاست‌های خودشان در بخش انرژی و نظام وارداتی‌شان به طور کلی سبب متضرر شدن آن‌ها می‌شود این مقاله درصدد است مسیر جهانی‌سازی بخش انرژی را از طریق سازمان تجارت جهانی تبیین نماید.

واژه‌های کلیدی: جهانی‌سازی، انرژی، سازمان تجارت جهانی، گات

1. مقدمه

سازمان تجارت جهانی (WTO¹) در اول ژانویه 1995 شروع به کار کرد هر چند نظام تجاری آن نیم قرن بود که از عمر آن می‌گذشت (یعنی از 1984) موافقت نامه‌های عمومی تعرفه و تجارت (گات) مقرراتی را برای این سیستم تدارک دیده بود. در حالی که موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT²) عمدتاً به تجارت کالا مربوط می‌شود اما WTO و موافقت نامه‌هایش در حال حاضر تجارت خدمات، اختراعات و نوآوری‌ها و مالکیت معنوی را نیز تحت پوشش خود قرار می‌دهد. تا دهه هشتاد اکثر کشورهای در حال توسعه صادر کننده نفت جزء گروه‌های مذاکره کننده در گات نبودند (البته به استثنای گابون، اندونزی، کویت و نیجریه که همه آنها بر اساس ماده 21 به عنوان گروه‌های مذاکره کننده بالفعل، به عضویت در آمده‌اند). سایر کشورهای تولید کننده نفت به دنبال پیوستن به گات نبودند، و مسائل مرتبط با نفت و انرژی مورد بحث قرار نگرفتند. گفته می‌شود که یک توافق اخلاقی بین کشورهای مهم و فعال در تجارت وجود داشت که در مورد مسائل نفت در گات به دلیل ترس از ماهیت استراتژیک تجارت نفت بحث نکنند. چرا که اهمیت نگرانی‌های امنیتی در مشتقات نفت مذاکرات را سیاسی خواهد کرد. با این وجود، در دهه هشتاد برخی از کشورهای صادر کننده نفت مجدداً به بررسی وضعیت خود پرداختند. دقیقاً پیش از مذاکرات دور اروگوئه بود که مکزیک به گات پیوست و به دنبال آن در خلال مذاکرات، ونزوئلا نیز به گات ملحق شد و در نهایت در اواخر مذاکرات دور اروگوئه بحرین، قطر، امارات نیز به گات ملحق شدند. دو کشور صادر کننده نفت یعنی اگوادور و عمان بر اساس ماده 21، WTO به سازمان تجارت جهانی پیوستند. بازار انرژی از جمله بازارهایی است که جهانی سازی آن از اهمیت خاصی برخوردار است. سازمان جهانی تجارت تلاش کرده است زمینه‌های لازم را برای سرعت بخشیدن به این فرایند فراهم کند. برای یبیین این زمینه‌ها ابتدا ریشه سازمان جهانی تجارت را در گات بررسی می‌کنیم. سپس مقررات سازمان در رابطه با انرژی مورد بحث قرار می‌گیرد. خدمات انرژی از جمله محورهای مذاکرات الحاق است که در

¹ World trade organization

² General Agreement on Tariffs and Trade

قسمت بعدی این مقاله می آید. مساله بازار های انرژی و نحوه رقابتی کردن آن و نقش بخش نفت از جمله محورهای بعدی مقاله است. نهایتاً معاهداتی وجود دارد که ریشه در سازمان جهانی تجارت دارند و در فرایند جهانی شدن بخش انرژی موثر بوده اند. این معاهدات نیز مورد بحث قرار گرفته اند

2. هم ارزی گات¹ و سازمان تجارت جهانی⁴

WTO ریشه در گات دارد اما موارد متعددی در WTO وجود دارد که در گات موجود نیست. گات یا موافقتنامه‌ی عمومی تعرفه و تجارت، موافقتنامه‌ای است که جهت انجام تجارت بین‌الملل تنظیم شده است و در ادامه، در جهت به اجرا گذاشتن این موافقتنامه‌ها، سازمانی به نام سازمان تجارت جهانی با اهداف و کارکردهایی گسترده‌تر از اهداف گات تأسیس شد. (cho,2000)

متن موافقتنامه را می‌توان با متن قانون مقایسه کرد و سازمان را شبیه یک پارلمان فرض کرد البته همان طور که تاریخچه‌ی گات نشان می‌دهد تلاش‌هایی در جهت ایجاد یک سازمان بین‌المللی در تجارت در دهه‌ی چهل انجام گرفت که ناموفق ماند. با این حال اسناد تصویب‌شده‌ی گات نشان می‌دهد که کشورها خواهان استفاده از مقررات و نظم جدیدی در تجارت هستند. اما امروزه هر چند موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) هنوز کاربرد داشته و مورد استناد قرار می‌گیرد، اما دیگر مهم‌ترین مجموعه‌ی مقررات تجارت بین‌الملل محسوب نمی‌شود.

مهم‌ترین تفاوت‌های گات و WTO عبارتند از.

✓ گات موافقتنامه‌ای موقتی و اختیاری بود. موافقتنامه عمومی گات هرگز در پارلمان اعضا تصویب نشد و حاوی هیچ شرطی برای تشکیل یک سازمان بین‌المللی نبود اما موافقتنامه‌های WTO دائمی است و به عنوان یک سازمان بین‌المللی دارای مبنای قانونی معتبری است زیرا اعضا، موافقتنامه‌های آن را تأیید کرده‌اند و در این موافقتنامه‌ها تشریح شده که WTO چگونه باید فعالیت کند. (Damien,2000)

✓ WTO نظام عضویتی دارد که کشورها را تحت شرایط خاص به عضویت می‌پذیرد اما گات دارای طرف‌های قرارداد⁵ بود یعنی کشورهایی که موافقتنامه‌ی عمومی تعرفه و تجارت را به عنوان یک سند قانونی معتبر می‌دانستند و بر اساس آن عمل می‌کردند.

✓ گات فقط با تجارت کالا سر و کار داشت اما WTO خدمات و حقوق مالکیت معنوی را نیز تحت پوشش قرار می‌دهد.

✓ نظام حل اختلاف WTO سریع‌تر و دقیق‌تر از نظام گات است و رأی آن بلوکه نمی‌شود.

3. بررسی مقررات WTO در حوزه انرژی

3-1. مسئله‌ی قیمت‌گذاری دو نرخی و قوانین WTO

مسئله‌ی قیمت‌گذاری دو نرخی در کنار موضوعات مربوط به محدودیت‌های صادراتی بر بعضی از کشورهای تجارت‌کننده، در نشست وزیران گات در 1982 مطرح شده است و باز در دور مذاکرات اروگوئه نیز با این دید که باید برای هدایت این گونه رویه‌ها قوانین جدیدی وضع کرد، مطرح شدند.

۱. General Agreement on Tariffs and Trade

۴. World Trade Organization

۵. Contracting parties

از آنجایی که قیمت گذاری دو نرخ با قوانین WTO هماهنگ نیست، لذا یافتن سازوکارهای قابل قبولی که بتوان بر اساس آنها قیمت‌های داخلی را کمتر از قیمت جهانی نگه داشت و دسترسی به آن را کنترل کرد، مشکلات خودش را به دنبال دارد. چنین سازوکارهایی شامل (الف) محدودیت‌های صادراتی (ب) مالیات و عوارض صادراتی (ج) وضع مقررات استفاده دولت از داده‌های انرژی ارزان می‌باشد. در طول مذاکرات اروگوئه، بعضی از شرکت‌کنندگان به دنبال بسط مفاد گات به صورتی بودند که بتوان بر اساس آن اختیارات سیاست‌گذاری در بخش انرژی را به نحوی محدود کرد. پیشنهادهای عمدتاً به قیمت‌گذاری دو نرخ و محدودیت‌های صادراتی مربوط می‌شد. موضوع قیمت‌گذاری دو نرخ در مذاکرات الحاق به WTO مطرح شد و از کشورهای خواهان عضویت خواسته شد تا از معرفی نظام دو نرخ قیمت دست بردارند. (calos,2002)

3-2. عوارض و مالیات‌های صادرات و واردات و اقدامات کشورهای تازه ملحق شده استونی و گرجستان متعهد شده‌اند تا استفاده از عوارض صادراتی را به حداقل برسانند. عمان هم که کشور صادرکننده نفت است ولی جزو اوپک نیست حذف تمام عوارض صادراتی را پیش از عضویت پذیرفته است. این عوارض شامل عوارض صادراتی بر نفت و مشتقات نفتی نیز می‌شود. عمان همچنین موافقت کرده است تا شرکت ملی نفت خود یعنی PDO¹ را بر اساس ماده‌ی 17 گات به عنوان شرکت تجاری دولتی محسوب نماید و در نهایت عمان پذیرفته است که هر یک از الزامات کنترل صادرات را که تا پیش از تاریخ الحاق باقی می‌مانند، به طور کامل مطابق با شرایط WTO تنظیم کند. از جمله این شرایط مفاد 11، 17، 20، 21 موافقت‌نامه‌ی 1994 گات می‌باشد. (WTO,2001)

3-3. مقررات یارانه و ضد قیمت‌شکنی² و کشورهای صادرکننده نفت داده‌های انرژی عرضه شده در قیمت‌هایی کمتر از بازار جهانی در صورتی که در اقتصاد در دسترس همه باشند و به تولید صادراتی اختصاص نیافته باشند جزو یارانه‌های غیر قابل تعقیب (یارانه‌های مجاز) محسوب می‌شوند. کشورهای صادرکننده نفت معتقدند که مزیت نسبی آنها در منابع طبیعی‌شان قرار دارد که می‌توانند از آن جهت تقویت فرآیند توسعه‌ی کشور خود بهره‌برداری کنند. از طرف دیگر نیز اگر داده‌های انرژی به طور مستقیم با تولید کالاهای صادراتی ارتباط نداشته باشد اما تنها در اختیار صنایع خاصی باشد باز می‌توان این داده‌های انرژی را به عنوان یارانه‌های ویژه تلقی کرد و بر اساس موافقت‌نامه یارانه‌ی قابل تعقیب، قانونی می‌باشند و در صورتی که این یارانه‌ها به تولیدکنندگان داخلی در بازارهای وارداتی زیان برسانند، تولیدات پایین‌دستی آنها در معرض عوارض متقابل (مقابله‌کننده)³ قرار می‌گیرند. بدیهی است که اگر تمام صنایع داخلی از انرژی ارزان‌تر از قیمت جهانی استفاده کنند، از نظر موافقت‌نامه یارانه و اقدامات مقابله‌کننده به عنوان یارانه‌ی ویژه محسوب نخواهند شد و بنابراین قابل تعقیب نمی‌باشند. با این وجود تعیین ویژه بودن یا نبودن یارانه تفاسیر مختلف را مطرح می‌کند و از این رو در شرایط خاص قابل مناقشه می‌باشد. (Prusa, 1998)

۱. Petroleum Development OF Oman

۲. Dumping

۳. Countervailing duties

4. خدمات انرژی در مذاکرات الحاق کشورهای نفتی

هر چند طبقه‌بندی رایج موافقت‌نامه‌ی عمومی تجارت خدمات (GATS) مدخل جداگانه‌ای را به بخش خدمات انرژی اختصاص نداده است اما سه فعالیت معین مرتبط با بخش انرژی به طور صریح به عنوان زیر بخش‌های مجزا در فهرست طبقه بندی GATS آمده‌اند که عبارتند از:

- حمل و نقل نفت خام و تصفیه شده، مشتقات نفتی و گاز طبیعی از طریق خطوط لوله.
- خدمات فرعی مربوط به حفاری و استخراج که در زمینه‌های نفت و گاز بر پایه‌ی قرارداد یا دستمزد انجام می‌گیرند.
- انتقال و توزیع برق، تولید برق با سوخت‌های گازی و بخار و ¹CHP جهت مصارف صنعتی، تجاری، خانگی و غیره بر پایه‌ی قرارداد یا دستمزد.

در این کنوانسیون‌ها اصولی تعیین شده است که بر اساس آن ترانزیت باید تسهیل گردد و نباید مسدود شود. همچنین نباید نرخ ترانزیت طوری افزایش یابد که در کار ترانزیت محدودیت شدیدی ایجاد نماید بلکه باید نرخ‌ها معقول و متناسب با هزینه‌ها باشد. بند پنج گات بر پایه‌ی کنوانسیون بارسلون تنظیم شده است. در این بند تنها مطالبات دستمزدی معقول و مرتبط با هزینه ترانزیت، مجاز شمرده می‌شود. بند هفت اساس‌نامه‌ی پیمان انرژی²، آزادی ترانزیت را نیز تحت بند پنج گات مجدداً مورد تأیید قرار می‌دهد اما دولت‌ها را ملزم می‌کند تا اقدامات ضروری جهت تسهیل عملیات ترانزیتی را انجام دهند. نداشتن عدم تبعیض در این پیمان ضروری است. دولت‌ها باید فعالان مرتبط با ترانزیت (برای مثال کاربرهای سامانه‌ی انتقال (TSO)³ و فعالان خطوط لوله⁴) را تشویق کنند تا تسهیلات خود را نوسازی کرده، توسعه دهند و از توقف ترانزیت انرژی به دلایل سیاسی پرهیز کنند. در حالی که این ماده اصول مهمی را پیش می‌کشد اما دارای رویه‌ی منظمی که دارای اهمیت عملی باشد، نیست. برای مثال این ماده نه راهبرد، بلکه معیارها و یا حتی مقادیر خاصی را برای نرخ ترانزیت تعیین نمی‌کند و تکلیف مقررات (و مسئولیت دولتی) مرتبط با کاربرهای سامانه‌ی انتقال و فعالان خطوط لوله گاز را تعیین نمی‌نماید. هیچ رویه‌ای (به غیر از بحث و مانی‌تورینگ کنفرانس عمومی) برای تنظیم تعهد آزاد و باز⁵ جهت تسهیل و عدم تبعیض در ترانزیت وجود ندارد که اگر تبعیضی هم وجود داشت در دادگاه مناسب قابل تعقیب باشد. خدمات انرژی در مذاکرات گات توجه زیادی را به خود جلب کرد. طرح‌هایی در این زمینه توسط ایالات متحده، اتحادیه اروپا، کانادا، نروژ، ژاپن، شیلی و ونزوئلا فرستاده شد. در حالی که بسیاری از این طرح‌ها با هدف باز کردن تمام یا بخشی از بازار خدمات انرژی جهت سرمایه گذاری خارجی مطرح شده بودند، طرح ونزوئلا ماده‌ی 4 تعهدات را از جانب بعضی از کشورها یا بنگاه‌هایی که از این آزادسازی سود می‌برند، ضمیمه کرده بود به طوری که کشورهای ذی‌نفع در آزاد سازی تعهدات در زمینه انتقال فناوری، به سامانه‌های توزیع نیز دسترسی داشته باشند. (WTO, 2001)

۱. combined heat and power

۲. Energy Charter Treaty

۳. Transmission Operator System

۴. Pipeline Operators

۵. Open - ended

4-1. طبقه بندی خدمات انرژی

4-1-1. موضوعات مربوط به انرژی که در مذاکرات فعلی WTO بحث شده‌اند همه در چارچوب موافقت‌نامه‌ی عمومی تجارت خدمات GATS صورت گرفته‌اند. طرح مورد مذاکره در بخش خدمات انرژی توسط کشورهای ایالات متحده، کانادا، اتحادیه اروپا، نروژ، ژاپن، شیلی و ونزوئلا مطرح شده‌اند. این طرح‌ها پیش‌زمینه‌ای را برای بحث در نشست وزیران فراهم کرد.

4-1-2. اکثر این طرح‌ها بر این مسئله تأکید داشتند که بخش خدمات انرژی در طبقه‌بندی گات به خوبی تعریف نشده است. معاهدات اندکی در مورد مسئله‌ی دسترسی به بازار و پیمان ملی^۱ در جداول زمان‌بندی‌شده‌ی گات ثبت شده بود. در نتیجه‌ی این مباحث اینکه خدمات انرژی به زیربخش‌های ذیل تقسیم گردید: اکتشاف زمین‌شناختی، حفاری، اتمام^۲ چاه‌های نفت و گاز، خدمات مربوط به تولید نفت و گاز، طراحی و ساخت تأسیسات تولید، تبدیل و عرضه‌ی انرژی، راه‌اندازی، مدیریت و نگهداری تأسیسات، شبکه‌های انرژی شامل حمل و نقل و انتقال، شبکه‌ی توزیع و خدمات زیست‌محیطی در صنعت انرژی، شبکه‌های بازاریابی، عمده‌فروشی و عرضه‌ی خرده‌فروشی. وجود چنین انگیزه‌ای برای بهبود و طبقه‌بندی خدمات انرژی، ریشه در نگرانی‌های نمایندگان بخش انرژی دارد، زیرا از آنجایی که خدمات بخش انرژی به خوبی تعریف نشده‌اند، برایشان مشخص نیست که آیا معاهدات خاصی که در مورد دسترسی به بازار و پیمان ملی تنظیم شده‌اند به نفع فعالیت‌های آنان است یا خیر.

4-1-3. عمده جهت‌گیری این طرح‌ها رسیدن به موافقت‌نامه‌هایی برای آزاد سازی تجارت و سرمایه‌گذاری در بخش خدمات انرژی می‌باشد. یکی از طرح‌های ارائه‌شده هر گونه آزادسازی آن در کشورهای در حال توسعه را به انتقال فناوری و دسترسی به شبکه‌های آنان منوط دانسته است و از این مسئله به عنوان ابزاری موثر برای اجرای مفاد 4 و 19 GATS استفاده کرده است. مفاد 4 و 19 موافقت‌نامه‌هایی هستند که با هدف افزایش مشارکت کشورهای در حال توسعه در تجارت بین‌الملل تنظیم شده‌اند. اکثر این طرح‌ها برای دولت‌هایی که تمایل ندارند مالکیت منابع طبیعی آنها مورد سؤال قرار بگیرد، محتاطانه مطرح شده‌اند با این وجود، به نظر می‌رسد که دسترسی و کنترل خدمات انرژی مانند اکتشاف، استخراج، حمل و نقل، انتقال، بازاریابی و تجارت نسبت به دسترسی و کنترل خود انرژی در درجه اول اهمیت و الویت قرار داشته باشد. (WTO, 2000)

4-2. دسترسی به خدمات بالا دستی

4-2-1. از مباحث این طور بر می‌آید که موضوعات مطرح‌شده در تجارت و توسعه‌ی خدمات انرژی نسبت به اینکه به مباحث بالادستی مربوط شوند یا مباحث پایین‌دستی، با یکدیگر فرق می‌کنند. طرح‌های ارائه‌شده در مذاکرات GATS تماماً با هدف آزادسازی بخش خدمات بالادستی مطرح شده بودند و از جمله‌ی آنها طرح کشور کانادا [1] یا طرح کارلوس آنز [2] در زمینه‌ی تجارت خدمات با زمینه‌های نفتی را می‌توان نام برد. این طرح‌ها شامل خدماتی بودند که به اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری و انتقال انرژی مرتبط می‌شدند و عمدتاً نفت و گاز را در بر می‌گرفتند. البته خدمات مرتبط دیگری مانند اکتشاف زمین‌شناختی، حفاری، خدمات تست چاه و خطوط (Wire line) و خدمات نصب و تکمیل و تولید نیز مطرح بودند.

۱. National treatment

۲. Completion

4-2-2. در یک نتیجه‌گیری کلی، بحث‌ها نشان می‌دهد که تعهدات و موافقت‌نامه‌ها در بخش خدمات انرژی می‌توانند پیامدهای راهبردی مهمی به دنبال داشته باشند. قطع نظر از ملاحظات راهبردی، قابلیت بخش خدمات انرژی بسیار چشمگیر و جذاب است، این چشم انداز از تقاضای فوق‌العاده‌ای که برای سرمایه‌گذاری‌های جدید وجود دارد، نشئت می‌گیرد که آن هم به منظور اطمینان از تولید کافی نفت و گاز جهت پوشش تقاضای مورد انتظار در 20 سال آینده می‌باشد. (Croome, 1996)

4-2-3. همانطور که Craig Van Grastek اشاره کرد، سیاست انرژی ایالات متحده، سرمایه‌گذاری در تولید نفت و گاز را در هر سه منطقه‌ی نفت و گاز یعنی کارائیب، خاور میانه و آسیای مرکزی را حتی اگر هیچ استفاده‌ای به ایالات متحده نرساند، تشویق می‌کند. این سیاست یک حرکت راهبردی جهت افزایش امنیت عرضه‌ی انرژی از طریق افزایش تولید نفت در سراسر دنیا محسوب می‌شود

4-2-4. بعضی از کشورهای تولیدکننده‌ی انرژی قادر نیستند تا راهبردهای موفق‌تری را به جهت تشویق بخش خدمات انرژی قدرتمند که دارای پیوندهای پسین و پیشین در اقتصاد و در زمینه‌ی استخراج و صادرات نفت و گاز طبیعی باشد، پیگیری کنند. البته تأثیر نسبی این ضریب در اقتصاد، به بخش انرژی در کل اقتصاد بستگی دارد. در کنار این پیش‌زمینه‌ی نظری، تجربه‌ی کشور ونزوئلا نیز وجود دارد. در مطالعاتی که توسط کارشناسان ونزوئلا انجام شد، تجربه‌ی موفق این کشور در توسعه‌ی بخش خدمات انرژی نیرومند همراه با پیوندهایی که این بخش با سایر بخش‌های اقتصاد دارد، نشان داده شده است. راهبرد این کشور طوری طراحی شده تا از مشارکت بنگاه‌های خدماتی داخلی در کنار کل زنجیره‌ی عرضه‌ی انرژی مطمئن شود. این راهبرد همچنین سبب تقویت صنعتی شدن بخش پایین دستی، تشویق حضور و رخنه‌ی شرکت‌های ارائه‌کننده‌ی خدمات انرژی در بازارهای خارجی و ایجاد دسترسی فعال و مؤثر به انرژی در کل جامعه منجر شده است. این راهبرد در طرح‌هایی که ونزوئلا در مذاکرات GATS ارائه کرده بود، منعکس شده است (Bernard, 1999).

4-2-5. طرح ونزوئلا به دنبال معاهدات دیگری با هدف اجرای موافقت‌نامه‌ی GATS ماده‌ی 4 و 2: 19 در بخش خدمات انرژی بود. به طوری که این طرح به کشورهای در حال توسعه این اجازه را می‌داد تا سیاست‌هایی را که با هدف حداکثرسازی ضریب تأثیر بخش انرژی تنظیم کرده‌اند، به اجرا درآورند. علاوه بر آن، این طرح به دنبال آن بود که از دسترسی به شبکه‌ها و کانال‌های توزیع شرکت‌های بزرگ نفتی اطمینان حاصل کند. به این صورت که بنگاه‌ها و شرکت‌های کشورهای در حال توسعه اجازه یابند تا خدماتشان را بر پایه‌ی فراگیر و جهانی عرضه کنند. در این طرح هدف این بود که جنبه‌های ساختاری تجارت انرژی شمال - جنوب تعدیل شود. ساختار تجارت شمال - جنوب به نحوی است که کشورهای در حال توسعه و در حال گذار به اقتصاد بازار، نفت خام و گاز طبیعی عرضه می‌کنند در حالی که خدمات انرژی مرتبط با نفت و گاز، کالاها و فناوری‌ها عمدتاً به طور انحصاری در اختیار کشورهای توسعه یافته می‌باشد. این خدمات عمدتاً به وسیله‌ی بنگاه‌های تخصصی که خدماتشان به وسیله‌ی شرکت‌های بزرگ نفتی مورد استفاده قرار می‌گیرد، ارائه می‌گردد. شرکت‌های بزرگ نفتی به تدریج دفاتر نفتی مربوط به خود را تعطیل کردند و این یعنی برونی سازی¹ خدمات. (Bernard, 2001)

¹ - Externalization

3-4. موضوعات مربوط به انتقال و ترانزیت

دومین زیربخش بازار خدمات انرژی به انتقال انرژی مربوط می‌شود. انتقال انرژی در داخل و خارج مرزهای ملی ترانزیت با دو نوع مانع مهم روبه‌روست. موانعی که به دسترسی به شبکه‌ها مربوط می‌شود¹ (TPA) و موانعی که به ترانزیت انرژی در آن سوی مرزهای ملی مربوط می‌شود. تعدادی از طرح‌های پیشنهادی بویژه آن‌هایی که توسط ایالات متحده و نروژ مطرح شده‌اند، پیش‌بینی می‌کند که در این زمینه بخش انرژی باعث به وجود آمدن موضوعات اتصال متقابل² چیزی شبیه به بخش ارتباطات از راه دور³ می‌شود. به طور کلی ساخت خطوط لوله با شبکه‌های رقابتی، نامعقول⁴ به نظر می‌رسد و دسترسی به بازارها نیازمند معاهدات دیگری است تا از دسترسی عادلانه‌تر به کانال‌های توزیع بتوان اطمینان حاصل کرد. همانطور که توماس والد⁵ اشاره کرده است: «آزادسازی تجارت انرژی فرامرزی⁶ (بویژه الکتریسته و گاز) بدون حضور نظام استاندارد که به راحتی مدیریت شود و دسترسی به شبکه‌های مختلف انرژی را قابل پیش‌بینی سازد، امکان پذیر نیست... (Walde & Gunst). دیدگاه والد در طرح‌های متعددی منعکس شده است. مدل reference Paper پروتکل ارتباطات از راه دور در بخش خدمات انرژی مورد استفاده قرار گرفته تا از دسترسی عادلانه TPA اطمینان حاصل شود. همانطور که در مقایسه‌ی فرآیند والد آمده، تلاش‌های در حال انجام در این زمینه برای به توافق رسیدن در مورد پروتکل انرژی بر پایه‌ی منشور انرژی که بر اساس ماده‌ی 7 (که خود ماده‌ی مبتنی بر ماده‌ی 5 گات می‌باشد) صورت گرفته به مسائل خاص‌تری خواهد پرداخت که به مسئله‌ی ترانزیت فرامرزی انرژی مربوط می‌شود.

5. بازارهای انرژی

5-1. کارشناسان در طرح‌های خود بر پدیده‌ی جدیدی تأکید دارند که بخش انرژی را متحول می‌کند. این پدیده چیزی نیست جز شکست انحصارها در زمینه‌ی الکتریسته و بخش گاز طبیعی، خصوصی سازی بنگاه‌های انرژی دولتی و آزاد سازی عمومی بازارهای ملی انرژی. در مقاله‌ی کریستوفر ملی و اسناد کمیسیون تجارت بین الملل ایالات متحده امریکا بر تحول در انجام این پروسه تأکید شده است (Melly). این انقلاب فرصت‌های جدیدی را برای تجارت در بخش انرژی با توجه به 4 بخش بازار انرژی پایین دستی، تولید الکتریسته، انتقال، توزیع و عرضه خرده فروشی ایجاد کرده است.⁷ همانطور که فورمن اندرسون (Anderson) مطرح کرده است، آزاد سازی و خصوصی سازی انحصارات دولتی، تقاضای انرژی را افزایش می‌دهد، فناوری‌های جدید به طور چشمگیری کارایی را افزایش داده و با انتقال، بخش انرژی را متعادل‌تر خواهد کرد. موارد قید شده در بالا همان عناصری هستند که به رونق بخش ارتباطات کمک کردند. تشخیص این مطلب که بازارهای

۱. Third Party Access

۲. Interconnectivity

۳. Telecommunication

۴. Impractical

۵. Tomas Walde

۶. Cross border

۷. USITC, Power Market reform and international trade in services.

آزاد انرژی می‌توانند به کارآیی اقتصاد کمک کنند پروسه سیاسی مطرح در سند USITC را بر انگیخته است. (Melly, 2002)

5-2. طرح‌های مورد مذاکره به هدف دسترسی بازارهای آزاد، حذف انحصارات یا حداقل کاهش قدرت انحصاری موجود برای تشویق رقابت تنظیم گردیده‌اند. این طرح‌ها نفوذ به بازارهای جدید انرژی را هدف خود قرار داده بودند. علاوه بر مسئله‌ی جنبه‌های اتصال متقابل که در بالا ذکر شد، طرح‌هایی نیز جهت هدایت رفتار ضد رقابتی تنظیم شده‌اند.

5-3. در نشست سران اتحادیه اروپا در بارسلون به این موضوعات در سطح اتحادیه اروپا پرداخته شد. در این نشست اتخاذ چنین تصمیماتی را به عنوان حق انتخاب آزاد عرضه کنندگان الکتریسته و گاز غیر خانگی اروپایی، تفکیک انتقال و توزیع از تولید و عرضه، دسترسی بدون تبعیض مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان به شبکه‌ها، سامانه‌ی تنظیم تعرفه‌ی انتقال الکتریسته فرامرزی و غیره را تشویق می‌کنند.

5-4. همانطور که در مورد سایر بخش‌های خدماتی بررسی شده در نشست‌های کارشناسان آنکتاد مشاهده گردیده، اگر آزادسازی بخش خدمات انرژی صورت بگیرد و به ویژه اگر مقررات ماده 4 و 2: 19 که در حمایت از کشورهای در حال توسعه تنظیم شده‌اند، بخواهد به طور کامل اجرا شود، بدهی است که باید به ویژگی‌های بخشی موجود به خوبی توجه شود. (Buttevicene, et al., 2002).

5-5. اجرای مؤثر مفاد 4 موافقت‌نامه‌ی GATS مستلزم استفاده از سازوکار متفاوتی است در ماده‌ی 19 تعیین شده که کشورهای در حال توسعه می‌توانند وقتی دسترسی به بازارهای آن‌ها برای عرضه کنندگان خدمات خارجی فراهم شد بر این دسترسی‌ها شروطی را با هدف دستیابی به اهداف اشاره شده در ماده‌ی 4 ضمیمه کند. در چنین شرایطی، تعهدات بیشتر به وسیله‌ی کشورهای پذیرفته خواهد شد که از معاهدات پیمان ملی یا دسترسی به بازار سود می‌برند یا اینکه سند یا موافقت‌نامه‌ی دیگری تنظیم شود تا حقوق کشورهای در حال توسعه را در مورد ماده‌ی 19 به طور دقیق (درباره‌ی چگونگی به کارگیری این ماده در بخش خدمات انرژی این کشورها) تصریح کند. در این زمینه، باید این حقیقت را یادآوری کرد که مذاکرات GATS به موضوعات افقی نیز می‌پردازد. بویژه در این مذاکرات سازوکار روبه‌رو شدن با وضعیت‌های بحرانی حفاظتی پیامدهای خاصی را در بخش انرژی به دنبال خواهد داشت. برای مثال، با روبه‌رو شدن با وضعیت‌هایی که عرضه‌کنندگان خارجی سهم بسیار زیادی از منابع بازارهای آزاد انرژی را کسب می‌کنند.

6. مسئله‌ی نفت در مذاکرات الحاق به گات؛ الحاق مکزیک و ونزوئلا به گات

از آنجایی که اقدامات صادراتی از حمله محدودیت‌های صادراتی شبیه هر اقدام تجاری دیگر مقید به قوانین عمومی گات (برای مثال مقررات MFN و عدم تبعیض) می‌باشد، اقدامات محدود کننده‌ی تجاری در بخش منابع طبیعی (شامل نفت) را می‌توان بر اساس ماده‌ی 20(g) (استثنائات عمومی مربوط به حفاظت از منابع طبیعی تمام شدنی) و تحت شرایط معینی که در همین رابطه ذکر شده است، توجیه کرد. بویژه اینکه تولید نفت جهت مصارف داخلی نیز محدود شده باشد. این استثنا کافی است تا این تلقی ایجاد شود که به طور کلی تجارت بین‌المللی نفت خام از چارچوب قوانین نظام تجاری چند جانبه‌ی گات خارج شده و بر اساس قوانین مختص به خود هدایت می‌شود. تنها وقتی که کشورهای تولیدکننده و صادرکننده نفت مانند مکزیک (1986) و ونزوئلا (1990) مذاکرات الحاقی خود را برای پیوستن به گات انجام می‌دادند،

موضوع انعطاف پذیری در مدیریت سیاست‌های صادراتی نفت خام مطرح شدند. در حقیقت، انعطاف پذیری در مدیریت سیاست‌های صادراتی نفت خام مهم‌ترین عامل در تصمیم مکزیک برای رد الحاق به گات در 1980 بود، آن هم بعد از اینکه مذاکرات به طور موفقیت‌آمیزی به اتمام رسیده بود. وقتی مکزیک در 1986 به گات پیوست به این موضوع هنوز به عنوان یک مشکل عمده نگریسته می‌شد. پروتکل الحاقی مکزیک هشدارهای ویژه‌ای در این زمینه داده است. در پارگراف 5 پروتکل الحاقی مکزیک آمده است: مکزیک می‌تواند حاکمیت خود را بر منابع طبیعی‌اش بر اساس قانون اساسی سیاسی مکزیک حفظ نماید. مکزیک می‌تواند محدودیت‌های صادراتی معینی در ارتباط با حفاظت از منابع طبیعی‌اش بویژه در بخش انرژی داشته باشد. این محدودیت‌ها بر پایه‌ی نیازهای اجتماعی و توسعه‌ی کشور مکزیک به شرطی صورت می‌گیرد که بتواند در ارتباط با محدودیت‌های مصرف یا تولید داخلی تأثیری داشته باشد. ونزوئلا که در خلال مذاکرات دور اروگوئه به گات ملحق شد هیچ تعدیلی را در پروتکل استاندارد تقاضانامه موقت¹ (PPA) برای هماهنگی با موضوعات مرتبط با نفت در نظر نگرفت. از نظر ونزوئلا پاراگراف پنجم PPA مکزیک، حقوق و تعهدات چند جانبه مکزیک را تغییر نمی‌دهد، بویژه از جنبه‌ی قید ماده‌ی 20 (g) گات که «هیچ چیز در این موافقت‌نامه طوری تفسیر نمی‌شود که در برابر اقدامات مرتبط با حفاظت از منابع طبیعی تمام شدنی مانع ایجاد کند، آن هم به شرطی که این اقدامات در رابطه با محدودیت‌های مصرف و تولید داخلی مؤثر واقع شوند». ونزوئلا معتقد بود که وجود چنین قیدی هیچ امتیاز ویژه‌ای را ایجاد نمی‌کند و بنابراین در PPA خود یا در گزارش نهایی گروه کاری بر مدیریت بخش نفتی‌اش خواهان وارد کردن هیچ شرط خاصی نشد. (francois et.al,2003)

7. نفت و سازمان تجارت جهانی

عضویت کشورهای صادرکننده نفت در سازمان تجارت جهانی این سؤال اساسی را مطرح می‌کند که سازمان تجارت جهانی بر بخش نفت این کشورها چه تأثیری می‌تواند بگذارد. برای پاسخ به این سؤال اساسی آن را به سؤال‌های جزئی‌تری تقسیم کرده و در ادامه این بخش به آن‌ها پاسخ خواهیم داد. اما سؤالاتی که در مورد نفت و سازمان تجارت جهانی می‌توان مطرح کرد عبارتند از:

- 1) چرا مسئله‌ی نفت خام در مذاکرات گات مطرح نشد؟
- 2) با توجه به مطرح نشدن مسئله‌ی نفت خام در مذاکرات گات، تا چه میزان نفت خام و فرآورده‌های نفتی در موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی مطرح می‌شوند و آیا سطح تعرفه‌های آن به طور مستمر کاهش خواهد یافت؟
- 3) تا چه میزان تحمیل برخی از کنترل‌های مربوط به تولید و یا عرضه، مانند سهمیه بندی اوپک می‌تواند با تعهدات سازمان تجارت جهانی سازگار باشد؟
- 4) آیا بر اساس موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی می‌توان اعمال مالیات‌های غیرمستقیمی را که کشورهای مصرف‌کننده بر نفت و فرآورده‌های نفتی کشورهای صادرکننده به کار می‌گیرند، زیر سؤال برد؟

۱. Protocol of Provisional Application

5) با افزایش نگرانی‌هایی که در مورد مسائل محیط زیست وجود دارد و با در نظر گرفتن کنوانسیون تغییرات محیط زیست و پروتکل کیوتو، آیا دستورالعمل‌های سازمان تجارت جهانی می‌تواند رابطه‌ی بین انرژی و محیط زیست و تجارت را تحت تأثیر قرار دهد؟

6) تا چه حد موافقت‌نامه‌های یارانه و اقدامات جبرانی سازمان تجارت جهانی می‌تواند انرژی ارزان و مواد اولیه (داده‌ی انرژی) صنایع داخلی کشورهای صادرکننده‌ی نفت را تحت تأثیر قرار دهد؟ اما در پاسخ به سؤال اول که چرا در مذاکرات گات در خلال سال‌های 1948 تا 1994 مسئله‌ی نفت مطرح نشد، می‌توان گفت که دلایل متعددی برای این مسئله ذکر شده که در زیر خواهد آمد اما به طور کلی با توجه به موافقت‌نامه‌های تجاری گات و موافقت‌نامه‌های فعلی سازمان تجارت جهانی این طور استنباط می‌شود که سازمان‌هایی مانند اوپک معتقدند که نفت خام از این موافقت‌نامه‌ها استثنا شده‌اند در حالی که سازمان تجارت جهانی و کنفرانس تجارت و توسعه‌ی ملل متحد (انکتاد) معتقدند که اگر چه نفت خام به طور خاص در قوانین و مقررات قید نشده است اما از آن نیز استثنا نیست. (paiva,2000)

تعرفه‌ها و نفت دومین و چهارمین مسئله مورد سؤال بود. چندین کشور وارد کننده‌ی نفت از جمله آمریکا و ژاپن تصمیم گرفتند تا تعرفه‌های خود را در مورد نفت خام محدود نکنند. اگر چه تعرفه‌ها تأثیر کمی بر تجارت نفت خام دارند اما این احتمال وجود دارد که برخی از کشورهای واردکننده‌ی نفت به دلایل مختلف تعرفه‌های خود را بر واردات نفت از تمامی (یا از بعضی) مناطق افزایش دهند و یا محدودیت‌هایی را در این مورد اعمال نمایند. بنابراین کشورهای صادرکننده‌ی نفت می‌توانند خواستار و تحت الزام قانونی قرار گرفتن تعرفه‌های مربوط به نفت خام باشند. (cernat,et.al,2002)

در پاسخ به سؤال سوم «تا چه میزان تحمیل برخی از کنترل‌های مربوط به تولید و یا عرضه، مانند سهمیه‌بندی اوپک می‌تواند با تعهدات سازمان تجارت جهانی سازگار باشد، می‌توان گفت کنترل صادرات و تولید را می‌توان به عنوان موانع غیرتعرفه‌ای در نظر گرفت و این گونه موانع نیز بر اساس مقررات سازمان تجارت جهانی مورد قبول نمی‌باشند. در ماده‌ی یازدهم گات محدودیت‌های کمی ممنوع می‌باشد اما برای آن استثنائاتی نیز در نظر گرفته شده است. از جمله این استثنائات می‌توان به اعمال محدودیت صادراتی به دلایل امنیت ملی و کمک به صرفه جویی در منابع پایان پذیر ملی را نام برد. از لحاظ نظری، کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده نفت می‌توانستند یک موافقت‌نامه بین‌المللی کالا امضا کنند که هدف آن کمک به تولیدکنندگان نفت در صرفه‌جویی، تثبیت و یا افزایش درآمدهای نفتی آنان باشد. اگر اوپک و یا هر سازمان مشابهی می‌توانست به عنوان یک سازمان بین‌المللی کالا شناخته شود در آن صورت برخی از انواع کنترل صادرات و تولید ممکن بود، مجاز شمرده شوند با ورود اعضای جدید هنوز این موضوع قابل بحث است که آیا دخالت‌های اوپک را می‌توان بر اساس ماده‌ی 20 (که صرفه‌جویی در منابع ملی را مجاز می‌شمارد) توجیه کرد. مکزیک در مذاکرات الحاق خود تصریح کرد که این کشور برای صرفه جویی در منابع انرژی خود، کنترل‌های صادراتی را اعمال می‌کند. به هر حال موافقت‌نامه‌های سازمان تجارت جهانی کنترل کمی را ممنوع می‌داند.

مسئله‌ی محیط زیست یکی دیگر از مسائلی است که در ارتباط با نفت و فرآورده‌های نفتی می‌تواند مورد مناقشه قرار گیرد. یکی از ملاحظات مهم زیست‌محیطی مسئله‌ی تهدید رو به رشد گرم‌شدن جهان می‌باشد که مستقیماً به استفاده از سوخت‌های فسیلی مخصوصاً بهره‌برداری از نفت و ذغال سنگ مرتبط می‌شود. طرفداران محیط زیست معتقدند که سازمان تجارت جهانی باید توجه گسترده‌ای به محیط زیست داشته باشد و قوانین زیست محیطی را به اجرا بگذارد اما اغلب دولت‌ها و بازرگانان معتقدند که سازمان

تجارت جهانی باید نگرش محدودتری داشته باشد و فقط به تأثیر تجاری سیاست‌ها و مقررات زیست محیطی توجه کند.

در نهایت در پاسخ به سؤال آخر «تا چه حد موافقت‌نامه‌های یارانه و اقدامات جبرانی سازمان تجارت جهانی می‌تواند انرژی ارزان مواد اولیه (داده‌ی انرژی) صنایع داخلی کشورهای صادرکننده‌ی نفت را تحت تاثیر قرار دهد» می‌توان گفت بسیاری از کشورهای صادرکننده‌ی نفت خام با تبدیل نفت خام به فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمی ارزش افزوده‌ای را برای نفت خام خود ایجاد می‌نمایند. اما تولید این فرآورده‌ها و محصولات پتروشیمی با داده‌ی انرژی ارزان خود تأمین می‌شود که صنعت آن‌ها در این بخش در مقایسه با کشورهای صنعتی که داده‌ی انرژی گران‌تری استفاده می‌کنند، دارای مزیت نسبی می‌کند. این مسئله مورد اعتراض کشورهای صنعتی است و در چارچوب مقررات سازمان تجارت جهانی و موافقت‌نامه‌های یارانه و اقدامات جبرانی اهداف خود را پیگیری می‌کنند. به طور کلی در زمینه‌ی یارانه و یارانه‌های اعطایی، اگر یارانه به بخش خاصی اعطا شود، قابل پیگیری است اما اگر به کل اقتصاد تزیق شود مجاز شمرده خواهد شد. لذا اگر انرژی ارزان در کل اقتصاد داخلی در دسترس بوده و قیمت آن هم کمتر از قیمت‌های جهانی باشد، نمی‌توان آن را یارانه‌ی قابل پیگرد قانونی دانست. (ehring,2000)

8. معاهدات انرژی مرتبط با WTO/GATS

8-1 معاهده‌ی منشور انرژی (ECT)¹

معاهده‌ی منشور انرژی در 17 دسامبر 1994 در لیسبون پرتغال به هدف تعیین سازوکاری جهت تصمیم‌گیری در زمینه‌ی سرمایه‌گذاری، تجارت و ترانزیت در بخش انرژی به امضا رسید. امضاکنندگان این معاهده عبارت بودند از تمام اعضای اتحادیه اروپا، کشورهای اروپایی از اروپای مرکزی و غربی، روسیه و تمام دولت‌های تازه استقلال یافته شوروی سابق، استرالیا و ژاپن. این معاهده در 16 آوریل 1998 به مرحله‌ی اجرا درآمد با این وجود تأیید آن توسط بعضی از امضاکنندگان هنوز معلق است و بعضی از آن‌ها این پیمان را به طور موقتی مورد استفاده قرار می‌دهند. (juergen,1996)

8-2 انرژی و تجارت: تأثیر اصول گات / WTO

در زمینه مقررات تجارت، معاهده‌ی منشور انرژی (ECT) برای تأمین حقوق و تعهدات اعضای گات و بسط این حقوق و تعهدات به غیر اعضا آن هم مبتنی بر استانداردهای تجاری گات در بخش انرژی طراحی شده است و لذا معاهده‌ی منشور انرژی همانند پیمان نفتا ریشه در چارچوب WTO/GATT دارد. هر چند معاهده‌ی منشور انرژی به اصول گات ارجاع دارد اما در این زمینه با نفتا تفاوت دارد به طوری که با مفاد گات از نظر منبع اسناد بودن عملاً هماهنگ نیست. البته تا حدودی در قسمت‌های مختلف پیمان به آن اشاره می‌کند. با توجه به اینکه اعضا یا همان طرف‌های قرارداد ECT اعضای گات نیز هستند شرط عمومی در ماده‌ی 14 وجود دارد که بر اساس آن هیچ چیز در معاهده‌ی منشور انرژی از تعهدات بین اعضا در رابطه با گات نمی‌کاهد. تعهدات و استثنائات تجاری خاصی در بخش‌های متعدد

۱. The Energy Charter treaty

این پیمان به چشم می‌خورد؛ در مورد بعضی از این موارد مانند مقررات TRIMS در ذیل بحث می‌شود. در ECT همانند نفتا، این تعهدات و مقررات از روندها و رویه‌های موجود در گات، همانند آنچه که در دور اروگوئه منعکس شده، پیروی می‌کنند، با این حال تفاوت‌هایی بین چگونگی تعامل با تعهدات گات در معاهده‌ی منشور انرژی و معاهده‌ی نفتا وجود دارد. در نفتا، گسترش اصول گات در خلال تفاسیر و اضافات و تبصره‌ها صورت می‌گیرد در حالی که در ECT این هدف دنبال نمی‌شود برای مثال در رابطه با مفاد امنیت ملی گات (ماده‌ی 21) نفتا دامنه این استثنا را محدود کرده است (این امر به معنی توسعه‌ی اصول گات می‌باشد). این محدودیت هم به طور کلی و هم به طور جزئی در بخش انرژی وجود دارد. این کار با هدف کاهش استفاده از این استثنا به عنوان ابزاری برای فرار از تعهدات تجاری صورت گرفته است.

8-3. سرمایه‌ی خارجی در معاهده منشور انرژی

در سیستم ECT در مورد سرمایه‌گذاری، تفکیکی صورت گرفته بود. این تفکیک بین مرحله‌ی پیش-سرمایه‌گذاری و مرحله‌ی پس‌سرمایه‌گذاری بود. مرحله‌ی پیش‌سرمایه‌گذاری مرحله‌ای است که مسئله‌ی ورود سرمایه و سرمایه‌گذاری مطرح است، اما مرحله پس‌سرمایه‌گذاری مرحله‌ای است که خطر مطرح شده و سرمایه‌گذار در برابر سیاست‌های ملی کشور میزبان آسیب‌پذیر می‌شود. به طور کلی مرحله پیش-سرمایه‌گذاری به وسیله‌ی Soft Low یا همان قوانین داوطلبانه و دوستانه به همراه یک سری تعهدات جهت تشویق سرمایه‌گذاری و ایجاد ثبات و ارائه‌ی یک سری شرایط مطلوب، عادلانه و شفاف به سرمایه‌گذاران سایر طرف‌های ECT متمایز می‌شود. علاوه بر اینها تعهدات سستی نیز در زمینه‌ی به‌کارگیری اصول رفتار ملی و دولت کامل‌الوداد^۱ و داشتن رفتار عادلانه و برابر با سرمایه‌گذاران وجود دارد. در نفتا بر خلاف این دید عمل می‌شود و رعایت اصل رفتار ملی هم نسبت به تأسیس اجرا و از بین بردن سرمایه‌گذاری‌های سرمایه‌گذاران ضروری است. با این حال معاهده‌ی منشور انرژی توجه ویژه‌ای به نتایج توافق تکمیلی در زمینه‌ی تعهدات در مرحله‌ی پیش از سرمایه‌گذاری دارد.

مرحله‌ی پس از سرمایه‌گذاری در معاهده‌ی منشور انرژی ECT همانند سامانه‌ی نفتا می‌باشد یعنی در این مرحله تعهدات (hard law) یا همان تعهدات اجباری و سخت‌گیرانه تحمیل می‌شود به طوری که این تعهدات مبتنی بر حکمیت و داوری بین‌المللی قابل اجرا و الزامی می‌شود. در این مرحله با سرمایه‌گذاران مطابق با اصل رفتار ملی و اصل دولت کامل‌الوداد رفتار می‌شود علاوه بر آن، مصادر و ملی-کردن‌ها به وسیله‌ی شروط و الزامات سنتی‌ای که دولت‌های سرمایه‌داری بر آن تأکید داشته‌اند، مقید می‌شود. بر اساس این شروط صادره‌ها باید به جهت اهداف عمومی و غیرتبعض‌آمیز صورت بگیرد و مصادر باید در خلال فرآیندی متناسب و صحیح انجام گیرد و جبران‌های سریع، کافی و مؤثر را به همراه داشته باشد. به هر حال وضع این شرایط و التزامات با روند رو به رشدی که در بین دولت‌های غربی جهت پذیرش چنین تعهداتی در توافقات چند جانبه و پیمان‌های سرمایه‌گذاری دو جانبه (BITS) وجود دارد، هماهنگ است. (kym,1997)

۱. most favored nation

8-4. حاکمیت بر منابع انرژی

معاهده‌ی منشور انرژی برخلاف نفتا ماده‌ی ویژه‌ای را در مورد حاکمیت بر منابع انرژی در نظر می‌گیرد به نظر می‌رسد لحاظ کردن این ماده به این جهت بوده که خواسته‌اند در برابر مقرراتی که در مورد حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی در نظر گرفته شده تعادل برقرار کنند. هر چند خیلی روشن نیست که این ماده به طور معنی داری به اصل پیمان ضمیمه شده باشد. بهر حال شرطی کلی در مورد حاکمیت دولتی و حقوق حاکمیت بر منابع انرژی وجود دارد و در مقررات خاص‌تری اشاره شد که این معاهده نظام مالکیت دارایی در رابطه با منابع انرژی را تضعیف نمی‌کند و اشاره شده است که دولت‌ها حق تصمیم‌گیری در موارد زیر را خواهند داشت، تصمیم‌گیری در مورد منطقه‌ای که باید توسعه یابد، میزان بهره‌برداری از منابع انرژی، شرایط بهداشتی و محیط زیستی مرتبط با اکتشاف و بهره‌برداری، نظام مالی مناسب برای دستیابی به توسعه منابع انرژی، مشارکت احتمالی مستقیم یا غیر مستقیم دولت در طرح‌ها.

8-5. قانون رقابت و بخش انرژی

در WTO و پیمان‌های منطقه‌ای مانند نفتا به پیوند و ارتباط رو به رشد بین قوانین رقابت و تجارت بین‌الملل و جریان‌های سرمایه‌گذاری اشاره و اذعان شده است. در نفتا با این مسئله تا حدی به صورت جزئی و به شیوه‌ای نصیحت آمیز برخورد شده است. به طوری که به حقوق اعضا جهت ممنوع اعلام کردن رویه‌های ضد رقابتی اذعان می‌کند اما مشروط بر اینکه طرف‌های قرارداد گاه‌گاهی در مورد تأثیر اقدامات و نحوه‌ی همکاری در مورد سیاست اجرایی و مقررات رقابت مشورت نمایند. در پایان نکته‌ای که در مورد سیاست رقابت و تجارت باید ذکر شود این است که اهداف طرف‌های قرارداد در دو معاهده‌ی نفتا و منشور انرژی متفاوت می‌باشد. در نفتا، مقررات رقابت و تجارت هم‌نگرانی ایالات متحده را در مورد سیاست‌های مربوط به رقابت کشورهای دیگر را نشان می‌دهد (و منفعت هم‌زمانی که از حفظ سیاست‌های رقابتی خود دارد آن هم سیاست‌هایی که با شدت و حدت به اجرا گذاشته است، حتی اگر تأثیرات فرامرزی مهمی نیز داشته باشد) و هم‌نگرانی کانادایی‌ها و مکزیکی را در مورد سیاست رقابتی ایالات متحده نشان می‌دهد که اصطکاک‌های دو جانبه را در گذشته به دنبال داشته است. اما در معاهده منشور انرژی، نگرانی اولیه در مورد استفاده بیش از حد و جدی سیاست رقابتی نبود بلکه تا حدودی نگرانی‌ها در مورد عدم اجرای سیاست رقابتی بویژه در رابطه با بخش انرژی در اروپای مرکزی و غربی بود یعنی جایی که این بخش توسط انحصارگرهای یک جانبه، دو جانبه قدرتمند و بزرگ دولتی احاطه شده است. (michalopoulos,2001)

8-6. محیط زیست و بخش انرژی

معاهده‌ی نفتا دارای هیچ فصلی که به طور مستقیم به بحث محیط زیست در بخش انرژی بپردازد، نیست اما شروطی در آن وجود دارد که دارای مشخصات قوانین Soft low می‌باشد. در مقابل در معاهده‌ی منشور انرژی ECT در زمینه‌ی جنبه‌های محیط زیستی بخش انرژی شروط خاصی در نظر گرفته شده است که آن‌ها نیز دارای ویژگی مقررات Soft low همانند نفتا می‌باشند. با این حال، محتوا، نوگرایی و دامنه‌ی شمول مقررات محیط زیستی در بخش انرژی در ECT بیانگر نوعی پیشرفت نسبت به مقررات محیط زیستی نفتا می‌باشد

7-8 مقررات حل اختلاف

در معاهده‌ی ECT در مورد مقررات حل اختلاف، رویکردی مشابه رویکرد نفتا دارد. در هر دو موافقت-نامه نه تنها برای حل اختلاف بین طرف‌های قرارداد راهکارهایی در نظر گرفته شده بلکه برای حل اختلاف بین سرمایه‌گذار و اعضا نیز به طور جداگانه راهکارهایی پیش بینی شده است. مقررات حل اختلاف از وضعیت سنتی قوانین حل اختلاف بین‌الملل فاصله گرفته و متکی به اقداماتی انجام شده به وسیله‌ی دولت‌هایی است که از دعاوی ملت خود (در برابر اقدام خسارت‌آور دولت دیگر) حمایت می‌کنند. وقتی که اختلاف بین طرف‌های پیمان از طریق کانال‌های دیپلماتیک حل نگردد در معاهده ECT با استثنای، برای انجام حکمیت لازم، رویه‌هایی در ECT همانند رویه‌های میانجی‌گری بین‌المللی پیش بینی شده است. (rose, 2002)

8-8 سایر مقررات

در معاهده‌ی منشور انرژی مقررات دیگری که با بخش انرژی مرتبط باشد، وجود دارند که بعضی از آن‌ها منافع خاصی را دنبال می‌کنند، در حالی که بعضی دیگر به دنبال مصالح عمومی‌تر هستند. در مورد دسته‌ی اول برای مثال می‌توان به مقررات ترانزیت کالاهای انرژی، یکی از نگرانی‌ها اروپا، اشاره کرد. مسائل دیگری که جنبه‌ی مصالح عمومی‌تری را دارد عبارتند از مالیات (ماده‌ی 21) و اقدامات سرمایه-گذاری مرتبط با تجارت (ماده‌ی 5).

در مقررات مالیات (که در نفتا وجود ندارد) در حقیقت در ابتدا به این مسئله تأکید دارد که معاهده‌ی ECT حقوق یا تکالیفی را در زمینه‌ی اقدامات مالیاتی طرف‌های قرارداد تحمیل نمی‌کند. در مورد مقررات مربوط به TRIMS می‌توان گفت که این مقررات همانند مقررات نفتا در این زمینه می‌باشند با این تفاوت که نفتا توجه خاصی به بخش انرژی ندارد. هر چند در ماده‌ی 5 معاهده ECT به نتایجی شبیه نتایج مقررات نفتا رسیده است اما هیچ اقدام سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت را که با مقررات ماده 3 و 11 گات سازگار نباشد، مجاز نخواهد شمرد. در این معاهده تعیین شده که چه نوعی از اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت مشمول این ماده می‌شوند. (rose, 1999, 2000)

9. نتیجه‌گیری

مقررات WTO که به محدودیت‌های صادراتی بر منابع طبیعی تمام شدنی و آزادی وضع مالیات‌های صادراتی می‌پردازد. کشورهای تولیدکننده نفت را قادر می‌سازد تا بر تولید و صادرات خود کنترل داشته باشند و قیمت‌های انرژی را برای مصرف‌کننده و تولیدکننده داخلی پایین‌تر از سطوح قیمت‌های جهانی نگه دارند. این دوگانگی قیمت به خودی خود با مقررات WTO تضاد ندارد. اما شرایطی که دولت به وجود می‌آورند تا صنایعی که فعالیت صادراتی دارند بتوانند از انرژی ارزان استفاده کنند بر اساس مقررات WTO سوبسید صادراتی ممنوع محسوب می‌شود و اگر چنین انرژی ارزان قیمتی به صنایع خاصی (گزینش شده) تعلق بگیرد، این یارانه جزء یارانه‌های ویژه تلقی شده و بنابراین قابل تعقیب بوده که می‌توانند در معرض اقدامات متقابل قرار بگیرند. البته به شرطی که ثابت شود چنین یارانه‌ای باعث بروز خسارت به تولیدکنندگان سایر کشورها شده است. پس جهانی سازی بخش انرژی از مسیر سازمان جهانی تجارت گر چه فرصتهایی را برای کشورهای دارای منابع انرژی فراهم می‌کند اما محدودیتهای مربوط به عرضه انرژی یارانه‌ای به صنایع صادراتی را دارد

WTO, Communication from Canada, initial negotiating proposal on oil and gas services S/CSS/W/58, 14, March 2001.

Calos , Anez, The trade of technical services for oil and gas Exploration and production observation by an old venezuelan contractor.

WTO, Communication from venezuela, Negotiating proposal on Energy Services S/ CSS/W/60 , 24 March 2001 and Negotiating proposal on Energy services – Addendum, S/CSS/W/69/Add.1,15 October 2000.

Bernard, Hoekman & Petros, Mavroidis (٢٠٠١), “The WTO's Agreement on Government Procurement: Expanding Disciplines, Declining Membership?” , working paper.

Bernard, Hoekman (١٩٩٩), “Tentative First Steps: An Assessment of the Uruguay Round Agreement on Services”,working paper.

Buttevicene, J. , D. Diaz Benavides and M. Tortora (٢٠٠٢), “in a Services performance in Developing countries”, Elements of an assessment, UNCTAD paper presented to wto symposium on assessment of trade in services, ١٤-١٥ March ٢٠٠٢.

Cernat Lucian & Laird Sam & UNCTAD Alessandro Turrini & Geneva (٢٠٠٢), “How Important are Market Access Issues for Developing Countries in the Doha Agenda?” ,working paper.

Croome John (١٩٩٦), “The Present Outlook for Trade Negotiations in the World Trade Organization”,working paper.

Damien J, Neven (٢٠٠٠), “How Should ‘Protection’ be Evaluated in Art. III GATT Disputes?” ,working paper.

Ehring Lothar (٢٠٠٠), “Discrimination in WTO Law: National and Most-Favored-Nation Treatment - or Equal Treatment?” ,working paper.

Francois J. & Meijl H. van & Tongeren F. van (٢٠٠٣), “Trade Liberalization and Developing Countries under the Doha Round”,working paper.

Francois Joseph, Meijl Hans van, Frank van Tongeren (٢٠٠٣), “Economic Implications of Trade Liberalization Under the Doha Round”,working paper.

Juergen Kurtz (١٩٩٦), “A General Investment Agreement in the WTO? Lessons from Chapter ١١ of NAFTA and the OECD Multilateral Agreement on Investment”,working paper.

Krueger Anne O. (١٩٩٨), “Developing Countries and the Next Round of Multilateral Trade Negotiations”,working paper.

Michalopoulos Constantine (١٩٩٩), “Developing Countries' Participation in the World Trade Organization”,working paper.

Michalopoulos Constantine (٢٠٠٠), “The Role of Special and Differential Treatment for Developing Countries in GATT and the World Trade Organization”,working paper.

Michalopoulos Constantine (٢٠٠١), “Trade Policy and Market Access Issues for Developing Countries: Implications for the Millennium Round”,working paper.

Melly, Christopher , "Electric power and gas market reform and international trade in energy service”,

Paiva Abreu Marcelo de (٢٠٠٠), “Brazil, the GATT, and the WTO: history and prospects”,working paper.

Prusa, Thomas J. (١٩٩٨), “On the Spread and Impact of Antidumping”,working paper.

Rose Jim (١٩٩٨), “Greening the WTO's Disputes Settlement Understanding: Opportunities and Risks”,working paper.

Rose, Andrew K. (٢٠٠٢), “Does the WTO Make Trade More Stable?”, working paper.

_____ (١٩٩٩), “Do We Really Know that the WTO Increases Trade?”, working paper.

_____ (٢٠٠٠), “Do WTO Members have More Liberal Trade Policy?”, working paper.

کتابنامه:

Aaditya, Mattoo & Marcelo, Olarreaga (٢٠٠٠), “Reciprocity Across Modes of Supply in the WTO: A Negotiating Formula”, working paper.

N. Anderson, Technology Revolution and the new industry Structure of energy Sector opportunities for developing Countrits.

Andrew K Rose, , (٢٠٠١), “Which International Institutions Promote International Trade?”,working paper.

Arvind Subramanian, & Shang-Jin Wei (٣١٨٥), “The WTO Promotes Trade, Strongly but Unevenly”,working paper.

Bagwell Kyle & W. Staiger Robert (١٩٩٩), “Reciprocity, Non-discrimination and Preferential Agreements in the Multilateral Trading System”,working paper.

Bagwell Kyle & W. Staiger Robert (٢٠٠١), “Subsidy Agreements”,working paper.

Bernard Hoekman (١٩٩٨), “Economic Development and the WTO After Doha”,working paper.

Blonigen Bruce A. & P. Bown Chad (٢٠٠٢), “Antidumping and Retaliation Threats”,working paper.

Blonigen Bruce A., (١٩٩٨), “Tariff-Jumping Antidumping Duties”,working paper.

Bond Eric & Ching Stephen & L. C. Lai Edwin (١٩٩٩), “Accession Rules and Trade Agreements: The Case of the WTO”, working paper.

Búrca Gráinne de (١٩٩٨), “The Impact of the WTO on EU Decision-making”, working paper.

Butler Monika & HAUSER Heinz (٢٠٠٢), “The WTO Dispute Settlement System : A First Assessment from an Economic Perspective”, working paper.

Cho Sungjoon (٢٠٠٠) “GATT Non-Violation Issues in the WTO Framework: Are They the Achilles' Heel of the Dispute Settlement Process?”,working paper.

Christina R. Sevilla (٢٠٠١), “A Political Economy Model of GATT/WTO Trade Complaints”,working paper.

Dani, Rodrik (١٩٩٧), “Developing Countries After the Uruguay Round”,working paper.

Håkan, Nordström & Brad, McDonald & Joseph, Francois (١٩٩٩), “A User's Guide to Uruguay Round Assessments”,working paper.

Harilal. K.N & Beena. P.L. (٢٠٠٠), “The WTO agreement on rules of origin: Implications for South Asia”,working paper.

Henrik, Horn & Petros C Mavroidis (1998), "Is The Use Of The WTO Dispute Settlement System Biased?" ,working paper.

Hoekman, Bernard (2001), "Trade and Competition Policy in the WTO system",working paper.

Holmes Peter & Hoekman Bernard (1999), "Competition Policy, Developing Countries, and the World Trade Organization",working paper.

Jee-Hyeong, Park (2000), "Sustaining Free Trade with Imperfect Private Information about Non-Tariff Barriers",working paper.

Joost Pauwelyn (2002), "The Nature of WTO Obligations",working paper.

Krueger Anne O. (1998), "Developing Countries and the Next Round of Multilateral Trade Negotiations",working paper.

Kym, Anderson (1997), "Peculiarities of Retaliation in WTO Dispute Settlement",working paper.

Langhammer Rolf J. & Lücke Matthias (1998), "WTO Negotiation and Accession Issues for Vulnerable Economies",working paper.

Mattoo Aaditya & Olarreaga Marcelo (1997), "Reciprocity across Modes of Supply in the World Trade Organization: A Negotiating Formula",working paper.

Richard, Baldwin (1998), "Regulatory Protectionism, Developing Nations and a Two-Tier World Trade System",working paper.

Rose Jim (1998), "Greening the WTO's Disputes Settlement Understanding: Opportunities and Risks",working paper.

Saito Kohei (2001), "Yardsticks for "Trade and Environment": Economic Analysis of the WTO Panel and the Appellate Body Reports regarding Environment-oriented Trade Measures", working paper.

Srinivasan. T. N. (1999), "Developing Countries and the Multilateral Trading System after Doha", working paper.

Subramanian Arvind & Wei Shang-Jin (2002), "The WTO Promotes Trade, Strongly But Unevenly", working paper.

Walde , T. and A. J. Gunst, "international Energy and access to energy networks".

Wangchuk Sonam & Finger J. Michael & Ng Francis (2000), "Antidumping as Safeguard Policy",working paper.

Zanardi Maurizio (2002), "Antidumping: What are the Numbers?" ,working paper.

Zdenek, Drábek & Alasdair, Smith (2001), "Trade Performance and Trade Policy in Central and Eastern Europe", working paper.